

دو فصلنامه فلسفی شناخت، «۲۴۷-۲۴۶»
شناخت: شماره ۷۹/۱
بایز و زمستان ۱۳۹۷، Knowledge, No79/1

تحلیلی بر مبانی فلسفی حقوق بین الملل محیط زیست

سماء فرخنده نژاد*

علیرضا آرش پور**

لیلا رئیسی***

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۷/۳/۴

چکیده

مقصود از فلسفه حقوق بین الملل محیط زیست، نظرات کلی حاکم بر علم حقوق بطور اعم و حقوق بین الملل محیط زیست بطور اخص می‌باشد. دو موضوع در فلسفه حقوق بین الملل محیط زیست دخیل است که یکی مبنا و دیگر هدف حقوق است. فلسفه حقوق بین الملل محیط زیست به طور قابل ملاحظه‌ای با حوزه کاری فلسفی در اخلاق زیست محیطی اشتراک و همپوشانی دارد. حقوق بین الملل محیط زیست با ایجاد مکانیسم‌هایی برای همکاری بین المللی مستمر و دائمی میان دولت‌ها که بسیاری از آنها از دل معاهدات بین المللی جوشیده، نشان داده است که چگونه می‌توان تخریب فرامرزی محیط زیست را که صلح و امنیت بین المللی را تهدید می‌کند، تبدیل به فرصتی برای همگرایی بین المللی نماید. لازم به ذکر است که بحث از فلسفه حقوق محیط زیست بسته به اینکه نگرش مادی یا الهی باشد، نتایج دو گانه‌ای دارد. لذا هدف این مقاله آشنا کردن متخصصان محیط زیست با دیدگاه‌های مختلف فلسفه محیط زیست در جهان امروز است.

کلید واژه‌ها: فلسفه، محیط زیست، حقوق بین الملل

* دکترای حقوق بین الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، علوم تحقیقات واحد تهران (اصفهان)، ایران، آدرس الکترونیک:

samafnejad@yahoo.com

** استاد یار حقوق بین الملل عمومی، دانشگاه اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)، آدرس الکترونیک:

A. arashpour@ase.ui.ac.ir

*** دانشیار حقوق بین الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان، ایران، آدرس الکترونیک:

samafnejad@yahoo.com

مقدمه

بعد از رنسانس در اروپای قرن ۱۵ و با اقتدا به این آموزه دکارتی که عقل بشر برای حل هر مشکل کافی است، به شرط آن که روش صحیح به کار بردن عقل را بدانند، همت اروپاییان به این امر معطوف شد که به پیشرفت‌های علمی و فن‌آوری در زمینه‌های مختلف بپردازند و بحق در این زمینه روز به روز به نسبت به گذشته به پیشرفت‌های شگرف نائل آمدند. پیشرفت صنعتی علاوه بر فوائد مثبت و غیر قابل انکار برای بشر، مشکلاتی با خود به همراه آورد که می‌توان به برخی فجایع زیست محیطی در زمینه‌های مختلف از قبیل آلودگی آب، هوا، مواد زائد جامد و مواد زائد خطرناک اشاره کرد. در حال حاضر، موضوع مهم استفاده صحیح از این تکنولوژی به نحوی که محیط زیست را به خطر نیندازد، مد نظر صاحب نظران است.

هدف اصلی این مقاله این است که نشان دهد مسائل فلسفی حقوق بین‌الملل محیط زیست جالب و مرتبط با رویه بوده و ارزش تفکر را دارند. لازم به ذکر است مشاهدات موجد حقوق بین‌الملل محیط زیست اغلب حاوی اصول راهنمای تصمیم‌سازی‌های زیست محیطی می‌باشند و کار قاعده‌سازی نرم‌های حقوقی بیشتر و خاص را بر عهده دارند.

این اصول شامل موارد ذیل می‌باشند:

۱. اصل احتیاط: کنوانسیون تغییرات اقلیمی (۱۹۹۲) اعلام می‌دارد که اعضاء باید اقدامات احتیاطی و پیشگیرانه برای پیش بینی، جلوگیری یا کاهش مسببات تغییرات اقلیمی انجام داده و اثرات منفی آنها را کاهش دهند. جایی که خطرات جدی و خسارت غیرقابل بازگشت (جبران) وجود دارد عدم قطعیت علمی نباید به عنوان دلیلی برای به تاخیر انداختن چین اقداماتی، استفاده شود.^۱

۲. اصل همکاری: طبق ماده ۲۴ اعلامیه استکهلم که این موضوع مطرح شده است که چگونه کشورها باید مسئول زیست محیطی فرامرزی را مورد توجه قرار دهند؟ آن اعلامیه اظهار می‌دارد که حفاظت و بهبود محیط زیست، باید بوسیله یک روح همکاری بین کشورهای کوچک و بزرگ و بر پایه مساوات، انجام شود.

اصل ۷ اعلامیه ریو بیان می‌دارد که دولت‌ها باید با یک روحیه مشارکت جهانی برای حفاظت، حمایت و ترمیم سلامت و تمامیت اکوسیستم‌ها به همکاری بپردازند.^۲

1. Proelss, 2016: 26.

2. Report of the United Nations Conference on the Human Environment, Stockholm, 1972.

۳. اصل مسئولیت مشترک: با استناد به اعلامیه ریو که اظهار می‌رود که کشورها به دلیل سهم متفاوت در تخریب محیط زیست جهانی، میزان مسئولیت متفاوتی برای جبران مسائل زیست محیطی دارند. این مسئله، مسئولیت مشترک ولی متفاوت نام دارد. حقوق بین الملل محیط زیست برای موفق شدن نیاز به متقاعد کردن و فشار بر حدود ۲۰۰ دولت در جامعه جهانی دارد. متقاعد کردن دولت‌ها برای ایجاد قوانین و سیاست‌هایی جهت کاهش آلودگی تا سطح قابل قبول، استفاده پایدار از منابع و ثبات اقلیمی می‌باشد. از طرف دیگر به دلیل اینکه اسباب زیانهای زیست محیطی شامل فعالیت‌های عادی نوع بشر مثل مصرف، تولید مثل، استفاده از ساختمانها، حمل و نقل، تولیدات صنعتی و کشاورزی نیز می‌شود، تلاش حقوق بین الملل محیط زیست برای جلوگیری از خسارات زیست محیطی شدید باید بطور مستقیم و غیرمستقیم روی رفتار هر فرد انسانی اثر بگذارد که این مورد وظیفه‌ای سنگین است.^۱

۴. اصل تعهدات و تکالیف: با استناد به اصل ۲ اعلامیه ۱۹۷۲ کنفرانس سازمان ملل در خصوص محیط زیست (استکهلم) که اظهار می‌کند منابع طبیعی زمین باید با توجه به منافع نسل حاضر و آینده مورد حمایت قرار گیرد. اصل ۵ این اعلامیه نیز اعلام می‌نماید که منابع غیرقابل تجدید زمین باید به روشی بکار گرفته شوند از خطر انقراض آنها حفاظت شود.^۲

۵. اصل تعهد به جلوگیری از خسارات زیست محیطی فرامرزی: با استناد به اصل ۲۱ اعلامیه ۱۹۷۲ (استکهلم)، دولت‌ها مسئولیت دارند تضمین نمایند که فعالیتهای تحت صلاحیت و کنترلشان خسارتی به محیط زیست سایر دولت‌ها یا دیگر مناطق خارج از محدوده صلاحیت ملی آنها وارد نمی‌کند و در صورت بروز چنین خسارتی ملزم به جبران خسارت هستند.

حقوق بین الملل محیط زیست به عنوان رشته‌ای از حقوق بین الملل که جدید بوده و سریعاً در حال شد می‌باشد، به این نیاز دارد که روی ایجاد و اجرای حقوق مربوطه تمرکز کند نه اینکه فقط بر تفسیر و به قضاوت نشستن نرم‌های حقوقی موجود بسنده کند.^۳

این موضوع همچنین به ما دلایل خوبی برای شناسایی و وفق دادن منابع و محدودیتهای دانش لازم جهت مدیریت زیست محیطی موثر، می‌دهد. حقوق بین الملل محیط زیست بدان گونه متمرکز بر علم می‌باشد که در هیچ کدام از دیگر رشته‌های حقوق دیده نمی‌شود. لذا باید

1. The Principle of Common but Differentiated Responsibilities: Origins and Scope for the World Summit on Sustainable Development 2002, Johannesburg and 26 August.

2. Principles in International Environmental Law (IEL).

3. Sovereignty vs. trans-boundary environmental harm:

طوری سازماندهی شود که با تغییرات یافته‌های علمی وفق داده شود. تلاشها برای انجام این امر، منتهی به استفاده از فنون جدیدی نظری نهادهای علمی بین دولتی جهت توسعه اجماع علمی روی دلایل و جبران خسارات محتمل مسائل زیست محیطی شده است.

قسمت اول: توضیح مفاهیم

الف) فلسفه

از نظر ریشه تاریخی، فلسفه تمام دانش‌ها را در بر می‌گیرد، ولی امروز که علوم شاخه‌های گوناگون یافته و هر شاخه به استقلال، موضوع خاصی را در قلمرو خود آورده است، فلسفه، محدود به مسائلی شده است که مطالعه درباره آنها در صلاحیت مستقیم هیچ یک از علوم نیست. با وجود این، هنوز فلسفه، سایه خود را بر سر علوم دارد و نظریه‌های کلی را که از خارج بر آنها حکومت می‌کند، فراهم می‌سازد. چنان که فلسفه علوم، فلسفه تاریخ، فلسفه هنرها و فلسفه حقوق، نمونه‌ای از نظام فلسفی دانش‌های بشری است.^۱ لازم به ذکر است آنچه در این مقاله کانون بحث و تمرکز است، معنی اخیر فلسفه، یعنی نظریه کلی حاکم بر چرایی و چگونگی حفاظت از حقوق بین‌الملل محیط زیست است.

ب) فلسفه حقوق بین‌الملل محیط زیست

عبارت خواهد بود از " نگاه کلی حاکم بر چرایی بایدها و نبایدهای متوجه اعضای حقیقی و حقوقی جامعه در خصوص رعایت مقررات مربوط به مجموعه به هم پیوسته از عوامل بیرونی که رشد و حیات موجودات زنده انسانی و جانوری و گیاهی متأثر از آن است "^۲.

ب) حقوق

بدیهی است که واژه حقوق معانی متعددی دارد ولی معنا و مفهومی که از حقوق در این مقاله مدنظر ما می‌باشد مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهایی است که اعضای یک جامعه بین‌المللی، ملزم به رعایت آن هستند^۳

ج) حقوق بین‌الملل محیط زیست

حقوق بین‌الملل محیط زیست به عنوان سلسله‌ای از قواعد عرفی و قراردادی بین‌المللی

۱. کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۱۷.

۲. فهیمی، ۱۳۸۷: ۵.

۳. کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۱۸.

از جدیدترین و گسترده‌ترین شاخه‌های حقوق بین‌الملل عمومی است که جهت تنظیم روابط تابعان حقوق بین‌الملل (کشورها، سازمان‌های بین‌المللی و افراد) در زمینه حفاظت از محیط زیست ایجاد شده است.^۱

قسمت دوم: دیدگاه‌های موجود در فلسفه حقوق بین‌الملل محیط زیست

نحوه برخورد و دیدگاهی که نسبت به طبیعت و محیط زیست وجود دارد، ناشی از نوع تفکر انسانها در خصوص مبانی فلسفی می‌باشد.

دیدگاه‌های جهانی در خصوص فلسفه محیط زیست مختصراً به شرح ذیل است:

- **دیدگاه مسئولانه:** بسیاری از جوامع بومی (مانند بومیانی که در جنگل زندگی می‌کنند یا اسکیموها) به طور فطری و ذاتی به خاطر نیازی که به طبیعت دارند، در برابر آن احساس مسئولیت می‌کنند. در این نظریه، هم انسان واجد اهمیت است و هم طبیعت اطراف آن. در این دیدگاه، استفاده از طبیعت به کمک ابزار در حد معقول است و نه اینکه طبیعت به تخریب کشیده شود؛ مثلاً اسکیموها در حد نیاز غذایی ماهی شکار می‌کنند و کاری به شکار بی‌جای گونه‌ها ندارند.^۲

- **دیدگاه اصالت دهنده به حیات (بایو سنتریک) و بوم (اکو سنتریک):** در دیدگاه اصالت دهنده به حیات (بایو سنتریک)، گونه‌های مختلف گیاهی و حیوانی از اصالت ویژه‌های برخوردار است. چیزی ارزش دارد که بتواند پایداری و زیبایی یک اجتماع زنده را حفظ کند. به عبارت دیگر تنوع زیستی بالاترین ارزش اخلاقی را در محیط زیست دارد. انسان نیز به عنوان یکی از گونه‌های موجود در محیط زیست در این دیدگاه مطرح است. شاید بتوان مساله حقوق حیوانات را بخشی از این دیدگاه برشمرد. در دیدگاه اصالت دهنده به بوم (اکوسنتریک)، به کل اکولوژی اصالت داده می‌شود. و تمام فرایندهای موجود در اکولوژی مانند تطابق، جهش و سیکل بیوژنوشیمیایی اهمیت دارد و اکوسیستم به طور کلی محترم شمرده می‌شود.^۳

- **دیدگاه انسان مدارانه:** بسیاری از انسانها در طول تاریخ بشر را به دلایلی همچون

۱. شاول، ۱۳۹۲: ۱۰.

2. Cunningham, 2003: 43.

۳. دورانت، ۱۳۹۲: ۱۸۷.

دارا بودن هوش و خلاقیت دارای موقعیتی ویژه دانسته اند. بر این اساس انسان را دارای حق و ارزش منحصر به فردی می‌دانند. افراط در این نوع تفکر به از بین بردن و تخریب محیط زیست می‌انجامد؛ چرا که در این دیدگاه طبیعت ابزاری در دست انسان است که به هرگونه که بخواهد می‌تواند در آن تصرف کند.

ریچارد روتلی - فیلسوف و زیست شناس استرالیایی - معتقد بود به یک اخلاق زیست محیطی نیاز است، چرا که سنت اخلاقی مسلط در جهان غرب بر این باور است که فقط انسانها دارای موقعیت اخلاقی مستقل هستند. از این عقیده به عنوان "انسان مرکزی" یاد می‌شود. روتلی می‌گوید بر طبق فلسفه لیبرال جهان غرب هرکس باید قادر باشد آنچه را که دوست دارد انجام دهد مشروط بر آن که موجب آزار و زیان دیگران نشود و به خود آسیبی جبران ناپذیر وارد نسازد.

- **دیدگاه خداپاورانه:** خداپاوران میان دو الگوی سلطه و سرپرستی برای مسئولیت محیط زیست فرق می‌گذارند. بنابر الگوی سلطه انسانها شایسته‌تر از دیگر حیوانات اند و حقوقی بیشتر از آنها دارند. در افراطی‌ترین تقریر از الگوی سلطه طبیعت فاقد هرگونه ارزش ذاتی است و به لحاظ اخلاقی در حد ذات خود موضوعیت ندارد. تنها موضوعیت آن به لحاظ تاثیر طبیعت بر انسانها است. الگوی سلطه طبیعت را دارای ارزش ابزاری می‌داند اما الگوی سرپرستی طبیعت را هم دارای ارزش ذاتی و هم ابزاری می‌داند. در نظام اخلاقی مبتنی بر الگوی سرپرستی انسان نباید فقط از محیط زیست بهره برداری کند بلکه باید مراقب آن نیز باشد. بنابراین دیدگاه ممکن است هنوز انسانها به نوعی برتر از دیگر موجودات زنده باشند و در عین حال دیگر موجودات زنده به دلیل ارزش و اهمیت ذاتی خود اخلاقاً شایسته حفظ و حمایت تلقی شوند.

مشکل‌ترین بحث‌ها در بین خداپاوران درخصوص جایگاه حیوانات است. بر طبق نظریه فردنگرای این فرد است که در نظامها ارزشمند است و ارزش اکوسیستمها به دلیل افراد زنده‌ای است که در آنها قرار دارند. بعلاوه برخی از حیوانات به نظر می‌رسد دارای حق حیات هستند و نباید به آنها آسیب برسانند. بنابر رویکرد کل گرایانه به محیط زیست، حیوانات و دیگر خیرات طبیعی مانند صحنه‌های حیات وحش را باید به صورت نظامهای طبیعی و پیچیده مورد ارزیابی قرار داد. آلدو لئو پلد که هم خداپاور است و هم طرفدار محیط زیست، از این موضوع دفاع می‌کند که یک موجود زنده در صورتی محق است که مستعد حفظ انسجام، ثبات و جمال محیط زیستی باشد و در

صورتی ناحق است که مستعد جز این باشد. این موضوع به صورت نشان شاخص به اصطلاح نهضت بوم شناختی " ژرفا نگر " همراه با تفسیر آن از کل حیات به عنوان یک اجتماع در آمده است. خداپاوران طرفدار این منظر نظام یافته وسیع گاهی موضع خویش را موضعی حیات محورانه، کل نگرانه یا زیست محورانه توصیف می کنند. این موضع بر این مبنا مورد دفاع قرار گرفته است که می تواند تبیینی بهتر درباره تنوع انواع عرضه کند و طرح و تدبیری غنی و قابل دفاع برای حیات وحش بدست دهد. فرد گرایان نمی توانند تبیین کنند که چرا ما اغلب موجود انواع متعدد و نه صرف افراد بیشتر را مطلوب می دانیم و فردگرایان ممکن است مجبور به مداخله کاملا ستیزه جویانه و افراطی در فرایندهای طبیعی شوند. اگر رنج و محنت حیوانات بد است آیا ما وظیفه برای جلوگیری از شکار حیوانات نداریم؟ ولی عمل به چنین وظیفه‌ای ظاهر مستلزم مداخله کلان در عادات حیوانات است.

خداوند در قرآن کریم از منابع موجود در طبیعت به عنوان احکام و شرع خود نام می برد و هرگونه نافرمانی و تعدی به این حریم را مجاز نمی شمارد. از دیدگاه دین اسلام، انسان حق رساندن به محیط زیست را ندارد و به نوعی باید حافظ آن باشد. از دیدگاه دین اسلام، انسان حق ضرر رساندن به محیط زیست را ندارد و به نوعی باید حافظ آن باشد. به عنوان مثال در آزار رساندن به حیوانات، شکار بی مورد حیوانات، قطع بی مورد درختان و اموری از این دست گناه شمرده می شود.^۱

از طرف دیگر دو دیدگاه نیز با عنوان مادی و معنوی یا مادی و الهی یا لائیک و دینی در مباحث حقوق محیط زیست از آنها تعبیر می شوند که هر یک به فراخور حال خود به بحث از فلسفه حقوق محیط زیست می پردازد.

- **دیدگاه مادی یا لائیک؛** پس از قرون وسطی، دسترسی انسان خودخواه و خودپرست به بعضی ابزارهای علمی تجربی، او را به سرکشی از بندگی واداشته و خود را مالک مطلق عرصه گیتی از جمله کره خاکی می داند و از این رو خود را مجاز به هر نوع تصرف و تخریب طبیعت می داند و از این رو یکه تازی‌های مادی او را فرسنگ‌ها از معنویت و ارتباط خدا دور کرده است، علم پرستی و خود پرستی، همان اندازه قبیح است که بت پرستی. وقتی بشر امروز، دامنه طبیعت را موجودی بی جان و بی روح و ملک طلق خود بداند بدیهی است که خود را مجاز خواهد دانست که هر نوع تصرفی در آن بکند. غافل از اینکه محدود بودن منابع و مواهب طبیعی و تعلق آن به تمامی

۱. همان، ۱۹۵.

نسل‌های بشری، اعم از حال و آینده، چنین اجازه‌ای را به او نمی‌دهد. بر این اساس از مدت‌ها قبل، پیروان همین اندیشه‌های مادی به فکر افتاده‌اند که حد و مرزی برای استفاده از مواهب طبیعی ترسیم نمایند که این تلاش‌ها نیز همه، رنگ و لعاب مادی دارد و اگر گاهی گام‌هایی نیز در این مسیر برداشته می‌شوند نه به جهت توجه به دیدگاه الهی نسبت به محیط زیست است، بلکه انگیزه آن سودجویی بیشتر است که بتوانند در دراز مدت به چپاول ثروت‌های خدادادی جهان ادامه دهند و چرخ‌های کارخانه‌های آنان از حرکت و شتاب، باز نایستند والا دل آنان برای نسل‌های آینده و سهم آنان از طبیعت، هرگز نسوخته است.^۱

- **دیدگاه الهی یا دینی؛** طبق این دیدگاه، انسان موحد، هستی را بعنوان یک دستگاه مادی و بی‌شعور و بی‌هدف و پوچ نمی‌بیند، بلکه آن را مجموعه‌ای زنده و خود آگاه و دارای اراده می‌بیند و طبیعت را مجموعه هماهنگ می‌داند که با نظام دقیق علمی تشکیل شده و متوجه هدف عالی است و طبق این نگرش، موضوعاتی مثل کمال و میانه روی و خودداری از اسراف، قابل طرح خواهد بود. بنابراین نخستین گام در اصلاح وضع زیست محیطی، اصلاح فلسفه و مشرب نظری آن است.

هدف جامعه دینی، سعادت حقیقی انسان است یعنی آنچه که عقل سلیم آن را سعادت می‌داند و به عبارت دیگر هدفش این است که همه ابعاد انسان را تعدیل کند و عدالت را در تمامی زمینه‌ها، رعایت نماید یعنی هم به نیازهای مادی و هم معنوی انسان پاسخ دهد که یکی از آنها آرامش در سایه طبیعت است ولی هدف جامعه غیر دینی، سود و سرمایه و پیروی از تمایلات حیوانی است.^۲

هدف از زندگی در دیدگاه دینی، حفظ رفاه بیشتر نیست بلکه رسیدن به تعالی است که استفاده صحیح از دامنه طبیعت به عنوان وسیله‌ای در راه نیل به آن هدف، تلقی می‌شوند. در حالی که در زندگی مادی، هدف، استفاده بهتر از مواهب طبیعی است و بس. بر این اساس، تغییر رویکرد در نگرش به طبیعت از قدم‌های اولیه و ضروری است. ضرورت تغییر جهان بینی در نگرش به طبیعت در تحقیقات دانشمندان نیز منعکس شده است.^۳

۱. برای مطالعه بیشتر به سایت unesco.org می‌توان مراجعه کرد که تحت واژه Environment Philosophie ۴۶ منبع در این مورد معرفی شده است و نیز به سایت unep.org در قسمت document موارد زیادی اختصاص به این بحث یافته است که عمدتاً بیانگر همین دیدگاه در حفاظت از محیط زیست است.

۲. دوران، ۱۳۹۲: ۱۷۶.

۳. اولین همایش ملی حفاظت و برنامه ریزی محیط زیست ایران، ۱۳۹۱.

قسمت سوم: رویکردهای متنوع به حفاظت از محیط زیست

۱. رویکرد انسان محور

در رویکرد انسان محور حفاظت از محیط زیست بایستی در جهت حفظ منافع انسانی صورت گیرد. عمده توجه این رویکرد بر بقای نوع انسان و نیازهای او، استانداردهای زندگی و حیات انسان (در مقابل دیگر گونه‌های جاندار یا بی‌جان در محیط) است و اگر صحبتی از حفاظت از محیط زیست به میان می‌آید صرفاً برای تأمین این مؤلفه‌هاست و در نتیجه اگر تخریب محیط زیست بر این مؤلفه‌ها اثر سوئی نداشته باشد، از دید این رویکرد مجاز تلقی می‌شود. به عبارت رساتر، از دید این رویکرد هر آنچه که در طبیعت برای انسان سودمند و دارای بهره و ارزش اقتصادی است بایستی محافظت و صیانت گردد. در نظریه انسان محوری، حقوق محیط زیست بشر گویای این ایده است که محیط زیست و منابع طبیعی فقط بر منافع و انتفاع بشر متکی است و به خودی خود فاقد ارزش ذاتی است. در این نظریه، انسان از وضعیتی برتر، مقدم و مهم برخوردار است و او را از سایر گونه‌های طبیعی متمایز و مجزا می‌سازد و به طور اخص اهداف و ضوابط معموله انسان را در محور قرار داده و حفظ محیط زیست را در جهت نیازهای بشری میدانند نه ضروریات و نیازهای سایر گونه‌ها.^۱ همچنین در این رویکرد هدف از حفاظت محیط زیست نه برای «محیط زیست» بلکه در واقع حمایت از انسان و منافع انسانی است. این شخص انسان است که ارزش دارد و تنها علایق یا اهداف انسانی است هستند که موضوع داوری اخلاقی قرار می‌گیرند. در این رویکرد برداشتی ابزاری از مسأله محیط زیست قوی است. به گونه‌ای که حمایت، پاکسازی و بهبود محیط زیست انسانی از اولویت نیز برخوردار است.^۲ مراد از ارزش ابزاری برای محیط زیست آن است که ارزش محیط زیست متغییر و کاملاً وابسته به ارزشی است که انسان برای آن قائل است. از منظر اقتصاد محیط زیست، محیط طبیعی ارزشی ابزاری دارد. یعنی تا آنجا حفاظت از محیط زیست اهمیت دارد که برای نوع بشر مفید باشد. در این رویکرد جنبه‌های زیبا شناختی، مذهبی و شناخت‌شناسانه طبیعت فراموش می‌شود. چراکه این جنبه‌ها به هیچوجه ارزش مادی و پولی ندارند. در تقویت و گسترش این مفهوم جریانهای تاریخی و فلسفی غرب تأثیر بسیار عمیق نهاده‌اند که در رأس آنها میتوان به جریانهای امانیستی و اگزستانسیالیستی و

۱. حبیبی، ۱۳۸۲: ۱۳۸

۲. فهیمی، ۱۳۸۸: ۲۰۱

اندیشه‌های «سودانگاران» قرون گذشته و نفوذ آنها به مسائل محیط زیست اشاره نمود.^۱

۲. رویکرد طبیعت محور

سؤالی که طرفداران این رویکرد همواره مطرح می‌کنند این است که آیا با رویکرد انسان محور میتوان از حقوق محیط زیست به نحو صحیح صیانت نمود و آیا از دیدگاه حقوق بشری که قاعدتا انسان محور است میتوان به پاسداشت ارزشهای محیط زیستی نگریست؟ دیدگاه طبیعت محور به محیط زیست، به عنوان یک کالا نمی‌نگرد بلکه آن را دارای ارزش ذاتی میداند که دارای ارزش ابزاری نیست که پیرو انتفاع بشر از آن مورد ارزیابی قرار گیرد.^۲ از دید این رویکرد همیشه این حقوق اجتماع نیست که آزادی فردی را محدود می‌کند بلکه ملاحظات اکولوژیکی و محیط زیستی نیز بایستی در محدودیت آزادی فردی هم لحاظ شود. همانطور که ذکر شد در رویکرد طبیعت محور، محیط زیست به معنای اعم خود، ارزش ذاتی دارد و به هیچ وجه انسان و مسائل و منافع مادی وی مطرح نیست، بلکه طبیعت فی نفسه و به خودی خود ارزشمند است. این رویکرد ما را فارغ از مضار یا منافع آن وا می‌دارد که هر دو حوزه محیط زیست طبیعی و انسانی را حفاظت نموده و ارج نهیم.^۳ از دید این رویکرد اغلب قوانین و مقررات محیط زیستی جنبه انسان محوری دارند و خواستار آن هستند که رویکرد طبیعت محوری جایگزین رویکرد انسان محوری در مقررات داخلی یا بین‌المللی گردد. طرفداران این رویکرد ممکن است تا آنجا به طبیعت بها دهند که برای بشر حق قابل توجه‌ای در طبیعت قائل نشوند.

۳. رویکرد خالق محور

در این رویکرد سعی بر آن است که به رابطه انسان با خالق توجه شود و برای آشتی دادن انسان با طبیعت به آموزه‌ها و اعتقادات دینی تمسک شود. مطابق این رویکرد انسان و طبیعت هر دو مخلوق خداوند هستند.^۴ در دین حنیف الهی که در طول تاریخ به منهج‌ها و شریعت‌های متنوع برای انبیای الهی تجلی می‌یافت، شناخت اصول زیست محیطی و تحصیل آن و پرهیز از تخریب آن و سعی برای سالم سازی آن، از بارزترین حقوق انسانی و نیز از روشن‌ترین تکالیف بشری به شمار می‌آید؛ تا نشاط جامعه همراه با سلامت آن و خرمی

۱. همان: ۱۹۹

۲. حبیبی، ۱۳۸۲: ۱۳۶

۳. فهیمی، ۱۳۸۸: ۲۰۰

4. Hoffman, 2004: 7

افراد، همراه با صحت آنان تضمین شود.^۱ در این رویکرد اگرچه انسان در مقابل یکدیگر دارای مالکیت خصوصی هستند اما در مقابل خداوند مالک نیست بلکه انسان در تسخیر طبیعت به منزله امین در نگهداری و نایب در تصرف است. یعنی رعایت حق زمین، آب، هوا، خاک، دریا، واکاوی حق بشر بر محیط زیست صحرا، کوه و دشت، گیاهان و حیوانات و سایر موجودات و عرصه‌های زیست محیطی که ارتباط با حیات جامعه دارند.^۲ در نتیجه همانطور که انسان در محیط اجتماعی به ارزش ذاتی افراد هم نوع خود احترام میگذارد باید ارزش ذاتی سایر موجودات طبیعی (از جمله حیوانات، گیاهان و اکوسیستم‌ها) را نیز محترم بشمارد. به عقیده طرفداران این رویکرد، دوری از خداوند و غفلت در مورد جایگاه انسان در زمین و انسان شناسی عامل اصلی تخریب محیط زیست است. به تعبیر بهتر بحران محیط زیستی، تبلور خارجی بیماری و رنجی درونی است که انسان مدرن را به ستوه در آورده است؛ انسانی که برای به دست آوردن زمین از آسمان روی گردانید و به جای آسمان به زمین اصالت داد، اکنون زمین را هم دقیقاً به دلیل نداشتن آسمان از دست می‌دهد.^۳ براساس این رویکرد اگر کسی خویشتن خود را درست تفسیر کند و آن را بشناسد، به عنوان «خلیفه الله» با مهربانی با جامعه سخن میگوید و هیچ گاه محیط زیست را آلوده نمیکند.^۴ اگرچه برخی به این دیدگاه ایراد انسان محور بودن را گرفته‌اند اما انسان به دلیل مسئولیتی که در قبال خداوند دارد، نسبت به محیط زیست نیز مسئولیتی ویژه دارد چراکه از دید این رویکرد جهان هستی مخلوق خدا و از آن خدا است و تخریب آن نوعی مسئولیت در مقابل خالق محسوب میشود و چون ارزش ذاتی در جهان هستی متعلق به خدا است ارزش سایر مخلوقات بر این مبنا تعریف میشوند و از این رو تمامی اجزای طبیعت به دلیل این ارتباط از ارزش برخوردار میشوند و انسان موظف است تا از آنها مراقبت نماید.^۵

۴. رویکرد جامع نگر (کل نگر)

برای یافتن راه حل مناسب و انتخاب رویکرد صحیح به ناچار بایستی در فلسفه حقوق محیط زیست تأملی داشته باشیم. چراکه هر کدام از رویکردهای انسان محور و طبیعت محور از دل

۱. جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۸۴

۲. همان: ۳۹-۳۸

۳. نصر، ۱۳۷۸: ۸۹-۸۸

۴. جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۷۵

۵. عابدی سروستانی، ۱۳۸۶: ۶۵

فلسفه جداگانه‌ای خارج می‌شوند و فهم دقیق فلسفه محیط زیست برای انتخاب راه‌حل مناسب راهگشا است. در فلسفه حقوق محیط زیست محور این سؤال بحث میشود که چرا باید از محیط زیست محافظت کنیم و مبنای این محافظت در چیست. در حقیقت فلسفه حقوق محیط زیست عبارت است از «نگاه کلی بر چرایی بایدها و نبایدهای متوجه اعضای حقیقی و حقوقی جامعه در خصوص رعایت مقررات مربوط به هم پیوسته از عوامل بیرونی که رشد و حیات موجودات زنده انسانی و جانوری و گیاهی متأثر از آن است»^۱. در تعامل میان دو ارزش ذاتی و ارزش ابزاری در فلسفه محیط زیست نظرات بینابینی نیز ارائه شده اند که یکی از آنها تفکر «کل نگر» می‌باشد که میان ارزشهای طبیعت و منافع انسانی تعادل برقرار می‌نماید. بدین معنا که در روابط میان انسان و محیط زیست نمی‌توان صرفاً به منافع یکی به جای دیگری اندیشید و مطابق آن جایگاه انسان در طبیعت عنوان مدیر دارد و نه مالک. آیین رویکرد ضمن اعتراف به تفاوت و اختلاف بین حفاظت از محیط زیست و حقوق بشر، معتقد است که همپوشانی‌های بین اهداف این دو مؤلفه وجود دارد. از دید این رویکرد اختلاف و تقابلی جدی بین حفاظت از محیط زیست و حقوق بشر وجود ندارد، چراکه انسان هم جزیی از اکوسیستم است و حق بهره‌مندی از منابع طبیعی را تا حدی دارد که باعث خسارات جبران ناپذیر نگردد، ضمن آنکه متعهد است حقوق دیگر گونه‌ها زیستی و غیرزیستی حفظ گردد. در این رویکرد بشر تنها موجود روی زمین نیست ولی جز انسان هم موجودی که دارای شعور باشد و توانایی حفاظت از محیط زیست داشته باشد نیز وجود ندارد، در نتیجه، انسان به عنوان یک مدیر بایستی به حفاظت از محیط زیست بپردازد چه برای او فایده داشته باشد و چه عملاً بهره‌ای نباشد. به عبارت دیگر به اعتقاد اینان انسان تافته جدا بافته نیست و حقوق و تکالیف وی جدا از حفاظت محیط زیستی نیست. این رویکرد به دنبال حفاظت از محیط زیست از طریق حقوق بشر و تأمین حقوق بشر از طریق حفاظت از محیط زیست می‌باشد. در این رویکرد به منظور ایجاد پیوند بین این دو مؤلفه، پیشنهادهای متعددی ارائه شده است. مورد اول اینکه میتوان از طریق حق‌های بشری همانند حق حیات، حق بر سلامت و غذا، سعی در حفاظت از محیط زیست داشت چرا که پیش شرط بهره‌مندی از این حقوق، داشتن محیط زیستی سالم است. مورد دیگر پیشنهاد مجموعه‌ای از حقوق محیط زیستی که در این پژوهش

۱. فهیمی، ۱۳۸۷: ۱۱۱

۲. همان: ۲۱۱

از آن به عنوان حق بر محیط زیست از آن یاد میکنیم است که دارای صبغه حقوق بشر هستند همانند حق بر اطلاعات محیط زیستی. مورد اخیر نیز بررسی «حق بر محیط زیست» در ذیل تقسیم بندی‌های حقوق بشر است.^۱

اگرچه این رویکرد بر همپوشانیهای حقوق بشر و حقوق محیط زیست بنا شده است اما حقوق بشر سعی در تأمین حقوق نسل حاضر از بشر است و حقوق محیط زیست عمدتاً در پی حفظ نسل آینده بشر می‌باشد. مطابق حقوق محیط زیست، نسل حاضر حق استفاده و بهره‌مندی از منابع کره زمین و منابع فضای ماورای جو را دارد اما استفاده از این حق باید مطابق با مقررات و با در نظر گرفتن تأثیر بلندمدت فعالیت‌های ایشان و حفظ منابع اصلی و محیط زیست جهانی برای انتفاع نسل‌های آینده بشر صورت پذیرد.

واکاوی حق بشر بر محیط زیست در حقیقت این تعریف بیانگر رعایت انصاف در استفاده از منابع است. در شناخت این مفهوم باید در ابتدا بین انصاف بین نسلی و انصاف درون نسلی تفکیک قائل شد. اصل انصاف بین نسلی مفهومی ارزشی است که بر حقوق نسل‌های آتی و در نتیجه پایداری اکولوژیک توجه دارد.^۲ این مفهوم خود ریشه در سه اصل دارد. اول اینکه هر نسل ملزم به حفاظت از تنوع طبیعی و فرهنگی منابعی است که از نسل گذشته به ارث برده است به نحوی که این نسل نباید گزینه‌های در اختیار نسل‌های آتی را برای حل مسائل و رفع نیازهایشان را به طور ناروایی محدود کند. این اصل را «اصل حفاظت از گزینه‌ها» مینامند. دوم، هر نسل ملزم به نگهداری کیفیت سیاره زمین به گونه‌ای که آن را از نسل قبلی به ارث برده است، میباشد. این اصل را «اصل حفاظت» از کیفیت مینامند و سوم اینکه هر نسل باید حق دسترسی منصفانه اعضای خود را نسبت به میراث نسل گذشته فراهم کرده و این حق دسترسی را برای آتی نیز حفظ نماید. این اصل را " اصل حفاظت از دسترسی " نامیده‌اند. انصاف درون نسلی اصول سه‌گانه را در رابطه با اعضای نسل حاضر طلب میکند. توضیح آنکه این اصل حکم میکند که در حفاظت از محیط زیست به مناطق بیشتر آسیب دیده یا مستعد چنین آسیب‌هایی توجه بیشتر شود.^۳

1. Shelton, 1992: 105

۲. عبدالمهدی، ۱۳۸۸: ۷۴.

۳. همان: ۷۵.

نتیجه گیری

نقش مهم فلسفه محیط زیست در جهان امروز قابل تردید نیست. نوع فعالیت انسانها چگونگی نگرش به محیط زیست و بعد حقوقی آن را تعیین می‌کند. لذا در این میان، اصلاح جهان بینی و تفکر مقدم بر هر نوع اصلاح دیگری می‌باشد. اگر نگاهمان به دین غالب باشد، بدیهی است روحیه محق بودن در استفاده از محیط زیست به روحیه مکلف بودن تبدیل می‌گردد لذا در این میان استفاده از مظاهر طبیعی وسیله‌ای برای رسیدن به هدف و کمال مطلوب خواهد بود. در پی مکاتبی که ذکر آن رفت، با مکاتبی مواجه می‌شویم که دچار افراط و تفریط شده اند. از طرفی مکاتبی معتقد به ارزش ذاتی طبیعت، حتی برای موجودات بی‌جان هستند و از طرف دیگر مکاتبی انسان را مجاز به هرگونه دخل و تصرف در جهان طبیعت می‌دانند. به نظر می‌رسد دیدگاه متعادل همان دیدگاه قرآنی است که از یک طرف انسان را خلیفه خدا بر روی زمین می‌داند و لذا معتقد است خداوند همه چیز را برای انسان خلق کرده است و از طرف دیگر انسان را امانتدار خداوند می‌داند یعنی چیزی که خداوند به انسان عطا کرده است به عنوان امانتی است که مانند هر امانت دیگر می‌بایست به خوبی نگهداری شود. بهر تقدیر این مقاله با معرفی فلسفه حقوق بین‌الملل محیط زیست و متذکر شدن اهمیت آن به کارشناسان و صاحب‌نظران است تا در این زمینه به تحقیق و پژوهش کافی بپردازند تا پروژه‌های بین‌المللی زیست محیطی بر مبانی نظری صحیحی استوار باشد.

فهرست منابع و مآخذ

۱. دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، اولین همایش ملی حفاظت و برنامه ریزی محیط زیست، ۱۳۹۱.
۲. فهیمی، عزیزاله، فلسفه حقوق محیط زیست و آثار آن، فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه قم، سال ۹، شماره ۳، بهار ۱۳۸۷.
۳. کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۹۴.
۴. شاو ملکم، ترجمه شهیدی، علی، خسرو شاهی، حسن، حقوق بین‌الملل محیط زیست، انتشارات خرسندی، تهران، ۱۳۹۲.
۵. ویلیام جیمز دورانت، ترجمه عباس زریاب خوئی، تاریخ فلسفه ویل دورانت، انتشارات عامی و فرهنگی، چاپ ۲۴، ۱۳۹۲.

۶. فهیمی، عزیزالله و مشهدی، علی، ارزش ذاتی و ارزش ابزاری در فلسفه محیط زیست از رویکرد فلسفی تا راهبردهای حقوقی، پژوهشهای فلسفی کلامی، سال یازدهم، ۱۳۸۸، شماره اول.
۷. فهیمی، عزیزالله، فلسفه حقوق محیط زیست و آثار آن، پژوهشهای فلسفی-کلامی، بهار، ۱۳۸۷، شماره ۳۵.
۸. حبیبی، محمد حسن، حق برخورداری از محیط زیست سالم به عنوان حق بشریت، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۲، شماره ۱۷.
۹. جوادی آملی، عبدالله، اسلام و محیط زیست، قم: نشر اسراء، ۱۳۸۸.
۱۰. نصر، سیدحسین، دین و بحران زیست محیطی، ترجمه مدیرشانه چی، محسن، مجله نقد و نظر، شماره ۱۷، ۱۳۸۸.
۱۱. عابدی سروستانی، احمد و همکاران، ماهیت و دیدگاه‌های اخلاق زیست محیطی با تأکید بر دیدگاه اسلامی، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال دوم، شماره‌های ۱ و ۲، ۱۳۸۶.
۱۲. عبدالهی، محسن، حقوق حفاظت از هوا، جزوه درسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸.

13. Alexander Proelss, "Principles of EU Environmental Law: An Appraisal", 2016.

14. <http://www.un-documents.net/aconf48-14r1.pdf>.

15. http://cisdl.org/public/docs/news/brief_common.pdf.

16.

<https://www.uio.no/studier/emner/jus/jus/JUS5520/h12/undervisningsmateriale/3.-principles-in-iel.pdf>.

17. www.un.org/documents.

18. Cunningham W. P., Cunningham M.A., Saigo, B.W. (2003) Environmental Science, a global concern, 7th edition, McGraw- Hill higher education.

19. www.uneo.org

20. Shelton, Dinah (1992), Human Rights, Environmental Rights, and the Right to Environment Stanford Journal of International Law, vol. 28, No.1: 103-138.

21. Hoffman, Andrew John. Sandelands, Lloyd (2004), Getting Right with Nature: Anthropocentrism, Ecocentrism and Theocentrism, Organization and Environment, Vol. 18, No. 2: 1-22

Analysis of the Philosophical Foundations of International Law of Environment

*Sama Farkhondehnezhad**

*Alireza Arashpour***

*Leila Raesie****

Abstract

The purpose of the philosophy of international law of Environment, is the general views of the governing science of law in general and international environmental law in particular. Two subjects are involved in the philosophy of international law of Environment, which is basis and the other is goal of the law. The philosophy of international law of environment overlaps substantially with the philosophical work of environmental ethics. International environmental law by establishing mechanisms for continuous and permanent international cooperation among governments, many of which come from treaties The internationally-fueled, has shown how environmental degradation threatens international peace and security as an opportunity for international convergence. it is mentioned that, The discussion of the philosophy of international environmental law will result in dual outcomes, depending on whether the material or divine attitude.

The purpose of this article is to educate environmentalists with different views of environmental philosophy in today's world.

Key words: Philosophy, Environment, International Law

* Public International Law (PhD), Faculty of Law and Humanities, Islamic Azad University, Science and Research, Tehran(Isfahan), Iran
samafnejad@yahoo. com

** Assistant Lecturer, Public International Law, Isfahan University, Iran
A. arashpour@ase. ui. ac. ir

*** Associate Lecturer, Public International Law, Faculty of Law and Humanities, Islamic Azad University, Isfahan, Iran